

در حاشیه خبرها (۲۰)

حسین جعفری- سن حوزه

نوروز را شادباش می گویم به تمام ایرانیان، فارسی زبان های سراسر جهان و تمام ایران دوستان و کسانی که فرهنگ و سنت های ایران عزیز را پاس میدارند.

آتش بس شکننده

جنگ میان اسرائیل و حماس که در حقیقت باید آن را "جنگ پشه با حبشه" خوانده بالاخره باوجود کوشش های سازمان ملل و سایر کشورها، اما با آتش بس یک جانبه اسرائیل و حماس به پایان رسید که صدامت آتش بسی است بسیار شکننده و بی پایه و تاکنون نیز چندبار شکسته شده که طی آن یک بیمارستان در غزه نیز ویران شده است و موشک اندازی های حماس و حمله متقابل اسرائیل همچنان جسته و گریخته ادامه دارد.

اما وقتی می نویسم این جنگ پشه بود با حبشه واقعاً منظورم همین است. به ضایعات، کشته ها، بمب اندازی ها، جنایت های اسرائیل در این جنگ نگاه کنید. هزار و سیصد و پنجاه کشته فلسطینی و پنج هزار و چهارصد و پنجاه زخمی، در برابر سیزده کشته از اسرائیلی ها. به عبارت دیگر ارزش جان هر اسرائیلی برابر است با یکصد و سه عرب و فلسطینی. عرب هایی که یک وجب خاک فلسطین را به دو کشور تقسیم کردند و باطناب جمهوری اسلامی و سوریه به جنگ اسرائیل رفتند طبیعی است که می بایستی از نظر عقلی نیز در همین حدود ارزش داشته باشند. اینکه عرض می کنم با طناب جمهوری اسلامی و سوریه حرف بی ربطی نیست. به نقشه نگاه کنید، اندازه و موقعیت جغرافیایی غزه را بررسی کنید و ببینید کشوری که آنقدر کوچک است و دست خالی که هرگز قادر به مقابله با اسرائیل نبوده و اگر دست به این جنگ خانمانسوز زده است طبیعی است که به پشتیبانی مالی و معنوی جمهوری اسلامی که گردانندگان این خاک کوچک را که هنوز به شکل کشور مستقل نیز درنیامده ترغیب و تشویق به جنگ با اسرائیل می کند که موی دماغ آنان شود و تازه این رژیم است که هنوز به بمب اتمی دست نیافته است. البته در این جنگ و ستیز منابع سرشار گاز طبیعی را که زیر باریکه غزه و حاشیه آن خفته نیز نباید از نظر دور داشت که بالاخره هرچنگی هرقدر هم سیاسی باشد، زیربنا و دلایل اقتصادی آن را نباید فراموش کرد.

کشورهای بزرگ، به ویژه غربی و سازمان ملل و پاره ای کشورهای عربی نیز مدتها سکوت را پیشه کردند و اقدام برای آتش بس یا صدور قطعنامه نکردند زیرا می دانند تا جمهوری اسلامی از عرب های افراطی پشتیبانی می کند باید فاتحه برقراری صلح پایدار در این منطقه خوانده شود. در تاریخ آمده است که وقتی فتحعلیشاه به تحریک آخوندها برای بار دوم آغاز به جنگ با روسیه کرده و در آستانه شکست قرار گرفته بود راضی به اعلام آتش بس و صلح با روسیه نبود و ه نوز فکر می کرد که او نیز مثل شاه عباس و نادر است و زمان نیز زمان آنان است. تا آنکه قائم مقام که وزیر عباس میرزا بود به حضور شاه رسید و وقتی مورد مشورت قرار گرفت و شاه راه چاره خواست با جسارت و شجاعت از شاه پرسید قربان در آمد روسیه در سال ششصد کرور است و درآمد ممالک محروسه ایران شش کرور. کشوری در این سطح که نباید با کشوری انچنانی درافتد. این مذاکره منجر به بسته شدن قرارداد ننگین ترکمان چای شد و گرنه روسها قصد داشتند از زنجان گذشته و راهی تهران شوند.

حال می پردازم به جنگ میان پشه و حبشه. کشور یا به عبارت بهتر منطقه و باریکه ای مثل غزه که تازه خود از درون کشور ذره بینی دیگری بنام فلسطین بوجود آمده، نباید خود را درگیر با کشوری مثل اسرائیل کند که قدرت آمریکا از نظر مادی و معنوی پشت آن قرار دارد و خود را به وعده های بی پایه و اساس جمهوری اسلامی دلخوش کند. آمریکا از ابتدای تاسیس اسرائیل به درستی یا غلط از این کشور حمایت کرده و تاکنون که بیش از شصت سال از تاسیس اسرائیل می گذرد، این حمایت خود را عملاً ثابت کرده است. اما حمایت های ایران نه در زمان شاه پایه و اساسی داشته است (نمونه آن حمایت کوتاه مدت شاه از کردان عراق در برابر صدام حسین) و نه حمایت رژیم فعلی که حتی خود نیز پا در هواست و معلوم نیست تا کی بر سر کار خواهد بود و این گونه حمایت

های مالی او نسبت به سازمان های افراطی عرب تاکی ادامه خواهد یافت و این در حالی است که فعلاً قیمت نفت به یک پنجم رسیده و خود ایران از نظر مالی دچار بحران شده است. اصولاً اعراب به ویژه فلسطینی ها ثابت کرده اند که حاضر به همکاری با یکدیگر نیستند نمونه اش همین دو کشور ذره بینی است از سرزمین استرداد از اسرائیل و اردن که قرار بود روزی تبدیل به کشوری مستقل بنام فلسطین شود که فوراً تبدیل به دو نیمه کشور لرزان و بی پایه شدن و آن را مقایسه کنید با همان کارهای خارق العاده ای که اسرائیلی ها در همان سرزمین های اشغالی در طول این شصت سال انجام داده اند. مرا هم متهم به طرفداری از اسرائیل نکنید که حق را باید گفت و نوشت. کما اینکه من صددرصد مخالفت تحریم تحقیق و گفتگو درباره "هولوکاست" هستم و این پرونده می بایستی برای تحقیق و بررسی همیشه باز باشد. اما در پایان پیشنهادی هم به سازمان ملل و از لابلای همین نوشته برای آقای بان کیمون میفرستم که گرچه فارسی ننمیداند، اما مشاورین فارسی زبان هم دارد. اگر اسرائیل، حماس، فلسطین، سازمان ملل و آمریکا و سایر قدرت های بزرگ حسن نیت دارند و حقیقتاً خواهان قطع واقعی جنگ و مناقشات هستند:

- رهبران فلسطین و غزه خودخواهی ها را کنار گذاشته و با هم توافق کرده و یک دولت متحد تشکیل دهند. البته با فشار سازمان ملل و قطع کمک های غرب به هر دو کشور تا زمان اتحاد آنان.

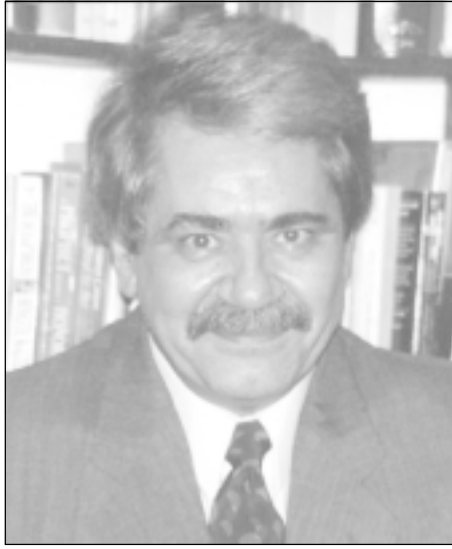
- یک شاهراه بین المللی ساخته شود که فلسطین را به باریکه غزه وصل کند و البته طبیعی است که این راه بین المللی از خاک اسرائیل خواهد گذشت و یک شاهراه بین المللی خواهد بود که اداره و کنترل آن و محمولاتی که از طریق این شاهراه فرستاده می شود، زیر نظارت مامورین سازمان ملل متحد باشد تا به این ترتیب کشورهایی چون جمهوری اسلامی و سوریه نتوانند اسلحه و... را از این راه بدست مهاجمین برسانند و هزینه اداره این شاهراه بین المللی نیز توسط سازمان ملل (یا در حقیقت کشورهای طرفدار صلح) پرداخت شود.

اگر واقعاً طرفدار صلح و ضد جنگ هستید و دلایل فروش اسلحه نیستید، بفرمایید قدم جلو بگذارید و نامتان را هم در تاریخ مناقشات اعراب و اسرائیل جاودان سازید. اسرائیل نیز با دادن مقداری از خاک قلمرو فعلی خود برای ایجاد این شاهراه که در مقابل سرزمین های اشغالی اصلاً به حساب نمی آید صلحی پایدار خواهد خرید که ارزش چنین سرمایه گذاری را دارد.

بازرگان ورشکسته

مقامات جمهوری اسلامی از برگزاری مراسمی در حسینیه ارشاد که بنا بود به مناسبت چهاردهمین سال درگذشت مهندس مهدی بازرگان برگزار شود جلوگیری کردند. این مراسم که قرار بود در حسینیه ارشاد و محوطه مقابل آن برپا شود برهم زده شد و به افرادی که گردآمده بودند اخطار شد که فوراً محل تجمع را ترک کنند. به دنبال اعتراض نهضت آزادی از قرار توافق شده بود که این مراسم در روز اعلام نخست وزیری بازرگان انجام شود که این بار نیز همکاران دیروزی بازرگان مانع از انجام آن شدند.

این همان بازرگانی است که آیت الله خمینی بالاترین اعتماد را به او داشت (مثل بنی صدر، طالقانی، منتظری، قطب زاده و...) و به واسطه همین اعتماد نسبت به او و عدم اعتمادی که نسبت به خود داشت، پس از آن که گفت "من تو دهن این دولت میزنم، من دولت تعیین می کنم" تشکیل اولین دولت انقلاب را (البته نه به عنوان جمهوری اسلامی) به او سپرد و بازرگان را موقتاً مأمور تشکیل دولت موقت انقلاب کرد. در زمان همین بازرگان بود که "جمهوری اسلامی ایران" با رأی ۹۹/۹ درصد مردم تب زده و انقلاب ندیده به وجود آمد و بازرگان از تولد آن بسیار اظهار خوشحالی و خوشبختی کرد و در همین حسینیه ارشاد در سخنرانی خود کسانی را که رای



مخالف به آن داده بود "یک دهم درصدی ها" خواند و با حالت تمسخر توصیه کرد که باید صدای خود را در نیاورند و باز در زمان همین بازرگان که آن موقع هنوز ورشکسته نشده بود و تجارتی پر رونق داشت، موجود عجیب الخلقه ای به نام "ولایت فقیه" ناگهان به قانون اساسی جمهوری اسلامی افزوده شد که همه را حیرت زده کرد و این تنها عباس امیرانتظام بود که در حیات دولت پیشنهاد کرد که دولت با اعلامیه ای طرح چنین پیشنهادی را که خارج از اختیارات مجلس خبرگان بود دلیل انحلال این مجلس خوانده و آن را منحل کند که البته بازرگان جرات این کار نداشت و امیرانتظام نیز سالها به همین جهت اما اتهام واهی جاسوسی از سمت سفیر جمهوری اسلامی در کشورهای اسکاندیناوی برکنار و بازداشت شده و سالهای طولانی از عمر خود را در زندان همان رژیم گذراند که خود مدتی از کارگزاران این رژیم از جمله سخنگوی دولت موقت آن بود.

اما بازرگان با تمام ضعف شخصیت که خود نیز بارها به آن اعتراف کرد، اما انصافاً تنها کسی بود ولو به صورت طنز، در برابر آیت الله خمینی ایستاد و از او انتقاد به شیوه خود که همان شیوه ملا نصرالدین بود کرد از جمله: - وقتی مردم به شنیدن نام خمینی ضمن سخنرانی بازرگان سه بار صلوات فرستادند به اعتراض اظهار کرد برای پیامبر یک صلوات می فرستید و برای نواده او سه بار؟ و همین مردم که امروز از انقلاب برگشته اند، یعنی پدران همین ملتی که میلیون میلیون به احمدی نژاد رأی میدهند، سه بار دیگر برای آیت الله خمینی صلوات فرستادند یعنی تا کور شود هر آن که نتواند دید.

یا اینکه گفت ما در هیئت دولت می نشینیم و تصمیم می گیریم و ابلاغ می کنیم تا اجرا شود، ناگهان آقا با یک سخنرانی در قم تمام تصمیمات ما را از بین می برد و بی اثر می سازد.

- همه مقامات رژیم از بیم ترور شدن، در اتومبیل های ضد گلوله رفت و آمد می کنند، اما من با این بلیط دو ریالی سوار اتوبوس می شوم و به مجلس می آیم و کسی هم با من کاری ندارد.

حال این رژیم حتی تحمل همین بازرگان مورد اعتماد آیت الله خمینی را هم ندارد و از برگزاری مراسم سالگرد درگذشت او جلوگیری می کند. من برای این رژیم قائل به عمر چندانی نیستم، اما احساس می کنم که حتی ممکن است روزی برسد که آرام آرام این رژیم نام همین آیت الله خمینی را نیز به انزوا بکشاند و رفته رفته خاطره او را از ذهن مردم پاک کنند. ما در تاریخ نمونه هایی داشته ایم. از جمله سرداران که همین به انزوا کشیدن موسسین آن رژیم یعنی پهلوان عبدالرزاق و جمال الدین مسعود، شیخ خلیفه جوری را به زودی به تاریکی ها سپردند.

انقلاب ایران در یک نگاه

با زمینه ای که در زمان مبارزات انتخاباتی کارتر به وجود آمد و با صحبت هایی که او در تبلیغات انتخاباتی خود می کرد و از رژیم شاه انتقاد می نمود در ایران نیز زمینه مناسبی به وجود آمد و کینه ای که در حدود بیست و پنج سال یعنی از ۲۸ مرداد در دل مردم جمع شده بود ناگهان ترکیب و مردم رفته رفته به خیابان ها ریختند و وقتی دیدند کسی جلو آنها را بطور جدی نمی گیرد، دو سه هزار تبدیل به ده هزار و صد هزار و بعد میلیون میلیون شد. شاه هم اولاً دچار بیماری بود و نمی توانست تصمیم قاطع بگیرد.

- اعتماد خود را نسبت به متحدین غربی از دست داده بود

و فکر می کرد آنها تصمیم گرفته اند که او را ببرند. - اصولاً آدم ترسویی بود و جرات مقابله با حران ها را نداشت و این مطلب را چندبار هم ثابت کرده بود. - با ایراد نطق (صدای انقلاب شما را شنیدم) به قول بازرگان، خود تبدیل به رهبر انقلاب شد. - انقلاب مردم نه از گرسنگی بلکه از سیری و عدم وجود آزادی های سیاسی و دموکراسی بود.

- مهمتر از همه از یاد برده ایم که این انقلاب ابتدا (انقلاب ایران) نام داشت نه (انقلاب اسلامی) و شعارها هم اولاً (استقلال-آزادی-عدالت اسلامی) بود و ابتدا اصلاً صحبتی از (جمهوری اسلامی) در میان نبود. - آخوندهای حقه باز از حماقت سایر گروه ها استفاده کردند و به تدریج قدرت را در دست گرفتند و دیگران را به تدریج حذف کرده و از بین بردند.

- مردم را تب انقلاب گرفته بود کما اینکه وقتی آیت الله خمینی در بهشت زهرا اعلام کرد (من تو دهن این دولت میزنم و من دولت تعیین میکنم) یکی از این روزنامه های آزادی خواه که آن همه سروصدا راه انداخته بودند نوشتند تو بیخود می کنی مگر تو چه کاره ای؟ استقبال بی نظیر مردم از تو گمراهت کرده؟ مگر تو در پاریس نگفته بودی من یک طلبه هستم و هیچ پستی را قبول نخواهم کرد و حتی رهبری را؟ حالا چطور شد که دولت تعیین می کنی؟

این انقلاب تقصیر شاه و ما مردم بود که او دیکتاتور شد به تدریج و ما جلویش نایستادیم و حتی به دیکتاتور شدنش هم کمک کردیم. کدام یک از این وزرایی که حالا ادعا می کنند من به شاه این را گفتم و آن را گفتم، به موقع جلو شاه ایستادند و یا استعفا دادند؟

- تقصیر شاه بود که وقتی اغتشاشات شروع شد ایستادگی نکرد و به این بهانه که نمیخواهد رو در روی ملتش قرار گرفته و در نتیجه عده ای کشته شوند فرار کرد. در حالیکه همانگونه که بارها گفته بود او خود را صاحب نظری میدانست که قادر به پیش بینی حوادث آینده بود و برنامه هایی که طرح می کرد برای آینده بود، در این صورت می بایستی پیش بینی می کرد در هیچیک از انقلاب های جهانی میزان کشته ها کم نبوده اند و طبعاً در ایران پس از انقلاب نیز بسیار کشته خواهند شد و این می توانست توجهی باشد برای نشان دادن دست آهنگین. از آن گذشته او همواره با دستهای آهنگین حکومت کرده بود و در لحظات بحرانی و حساسی چون سال پیش از انقلاب نایبستی ناگهان دستکش مخملین بر دست می کرد و یکصد و هشتاد درجه تغییر رویه میداد. جو بین المللی تغییر یافته بود؟ فضا فضای حقوق بشری بود؟ کارتر به او فشار می آورد؟ او هم می توانست در مقابل خواست های کارتر ایستاد و پس از ایجاد آرامش به تدریج دامنه آزادی ها را گسترش دهد. مگر همین آخوندها سالها در برابر همان آمریکا که یکه تاز میدان سیاست است نایستاده اند و تره برای حرف های آمریکایی ها و جهان غرب خرد نمی کنند؟

ما هم در مقابل آخوندها نایستادیم و گاه لوزتین آنها را هم مالیدیم که بار خودمان را سالم به مقصد برسانیم. اسمش را هم گذاشتیم ملت ایران مثل درختی است که در مقابل طوفان سرخم می کند تا نشکند و طوفان را از سر بگذرانند. خوب نتیجه اش هم آن بود که اسکندر و اعراب و ترکها و چنگیز و تیمور به این مملکت حمله کردند و قرنها سرنوشت ما را بدست گرفتند و از کشته پشته ساختند. در حالیکه می توانستیم بجای درختی که در مقابل طوفان سرخم می کند، مثل جنگلی باشیم و جلو طوفان را بگیریم. حالا هم با آنکه قم میزینم رژیم بد است اما میلیون میلیون پای صندوق رأی میرویم و خوراک تبلیغاتی جهانی برای این رژیم ضد انسانی فراهم میسازیم.

دود شد و ...

یک رقم ناقابل یک میلیارد دلاری یعنی یک با نه صفر در مقابل آن در راه انتقال از وزرات نفت به خزانه داری به صورت ناگهانی دود شده و به هوا رفته است. این مطلب براساس گزارش سازمان بازرسی کل کشوری بنام جمهوری اسلامی است که در محل سابق کشوری به نام ایران تاسیس شده و در رأس سازمان بازرسی آن مصطفی پور محمدی قرار دارد. این مبلغ ناقابل که میبایستی از محل فروش نفت جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۵ به خزانه واریز می شد اما آشکار نیست که کجا

دنباله مطلب در صفحه ۳۳

چند قطعه فرش دستباف تبریز
با قیمت مناسب برای فروش

مستطیل ۳ و ۱.۵ متری
گرد ۶ متری

۶۹۴۲-۵۰۴ (۴۰۸)

Fantastic Imagery

Photo & Video Productions
Artistic, Imaginative
Unobtrusive

عکاسی و فیلمبرداری مجالس عروسی،

سالگرد و سایر مراسم و جشن ها

خاطرات روز خوشتان را از نگاه هنری

و تکنیکی ما، همیشه جاودان نگه دارید!

پکج های مختلف برای هر بودجه

عکسها، نگین ویدیوتان را در کوتاهترین مدت دریافت خواهید کرد!

(408) 891-7828 & (916) 435-9616

www.fantasticimagery.com

